

تبیین اقتصادی جدایی طلبی کاتالونیا از اسپانیا بر مبنای رویکرد انتخاب عقلانی

محمد فرهادی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۶
تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۵/۱

چکیده

مقاله حاضر درصدد تبیین اقتصادی جدایی طلبی کاتالونیا از اسپانیا بر مبنای رویکرد انتخاب عقلانی است. از این منظر، پس از بسط فضای مفهومی موضوع، از رویکرد نظری انتخاب عقلانی برای تبیین آن استفاده شده است. با کاربرد روش کمی از نوع تحلیل ثانوی، داده‌های مرتبط با شاخص‌های توسعه اقتصادی منطقه کاتالونیا و کشور اسپانیا، از منابع موجود استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که: نخست، اکثر شاخص‌های توسعه اقتصادی منطقه کاتالونیا نسبت به سال‌های قبل، دارای رشد قابل توجهی بوده است؛ دوم، شاخص‌های توسعه اقتصادی کاتالونیا نسبت به اسپانیا دارای مزیت رقابتی است. لذا، بر مبنای رویکرد نظری انتخاب عقلانی، می‌توان اذعان داشت که رویکرد نظری به کار گرفته شده، از قابلیت لازم برای تبیین اقتصادی جدایی طلبی کاتالونیا از اسپانیا برخوردار است.

واژگان کلیدی: اسپانیا، کاتالونیا، انتخاب عقلانی، شاخص‌های اقتصادی.

*دکترای علوم
سیاسی، گرایش
مطالعات منطقه‌ای،
روسیه و آسیای
مرکزی، دانشگاه
علوم آکادمی
تاجیکستان.

farhadi_m2222
@yahoo.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از مسائل بارز جهان امروز، درگیری‌ها و تنش‌های قومی و تمایلات جدایی‌طلبانه در کشورهای مختلف است که به بخشی جدایی‌ناپذیر از وضعیت زندگی و جوامع بشری تبدیل شده است. به همین خاطر، می‌توان گفت خودمختاری^۱ در لغت به معنای استقلال و آزادی است و در عالم سیاست به استقلال محدود یک واحد سیاسی اطلاق می‌شود. خودمختاری مرحله پیش از استقلال است؛ وضعیتی که در آن، افراد یک قوم و ملت قادر به اداره امور خویش هستند. در تقسیمات داخلی کشورها، بعضی استان‌ها و ایالت‌ها به دلایل گوناگون، مانند شرایط ویژه قومی، نژادی، مذهبی و دیگر دلایل، دارای استقلال متفاوت از سایر استان‌ها و ایالت‌ها هستند که البته بیش‌تر فقط در امور مربوط به سیاست خارجی و دفاعی، تابع حکومت مرکزی‌اند. برای نمونه، کشور اسپانیا در اروپای غربی، دارای هفده بخش و دو شهر خودمختار است که هرکدام از بخش‌های خودمختار خود به یک یا چند استان تقسیم شده‌اند (خسروی، ۱۳۹۵: ۱۴۹). از این‌رو، با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت که انگیزه استقلال طلبی کاتالونیایی‌ها بیش از آن که سیاسی و اقتصادی باشد، فرهنگی است. بارسلونا به عنوان مرکز کاتالونیا، یکی از قطب‌های مهم فرهنگی و هنری اروپا محسوب می‌شود. استقلال طلبی کاتالان در نگاهی اجمالی، مبتنی بر این نظریه است که کاتالونیا یک ملت مشتق از تاریخ، زبان و فرهنگ خود است. جنبش ناسیونالیسم کاتالونیا^۲ خواستار به رسمیت شناخته شدن منطقه کاتالون زبان است. این جنبش در دوران رمانتیسم، در اواسط قرن نوزدهم متولد شد و از مردمی‌ترین جنبش‌های مقاومت در برابر همگون‌سازی دولت مدرن اسپانیا است. این جنبش در رنسانس یا احیای فرهنگی و ادبی ریشه دارد که در سال ۱۸۳۳ با نام «رناخنسا»^۳ آغاز شد و به زمانی بازمی‌گردد که «کارلس آریباو»^۴ قصیده «به سرزمین پدری» را به زبان کاتالونی منتشر کرد. این زبانی بود که عملاً در آن زمان استفاده نوشتاری نداشت. نکته این که ناسیونالیسم کاتالونیا بر مبنای قومیت استوار نیست، بلکه بر اساس زبان، فرهنگ، تاریخ و سرزمین استوار است و از نظر سنتی، عمیقاً از مذهب کاتولیک تأثیر پذیرفته است. آن‌ها خواهان این هستند که اسپانیا، کاتالونیا را به عنوان یک ملت به رسمیت بشناسد و آرزوی حکومتی چندملیتی را در سر می‌پروراند که ضمن اینکه اتحادیه اروپا باید تنوع فرهنگی آن را محترم بشمارد، با پرهیز از اشتباهات تاریخی ملت‌سازی، پایه‌های خود را بر اساس این تنوع فرهنگی بسازد (ظریف، ۱۳۹۶: ۶-۳). بنابراین، در این خصوص و با نگاه به

1 Autonomy
2 Catalan Nationalism Movement
3 Renaissance
4 Carles Arribe

تاریخ کاتالونیا، می‌توان از ناسیونالیسم زبانی در این منطقه یاد کرد که در میان کاتالونیایی‌ها بسیار قوی بوده و عامل مهمی در جدا دانستن آن از اسپانیا است. اما این ناسیونالیسم، علی‌رغم قوی بودن آن در میان مردم منطقه، نتوانسته به‌تنهایی عاملی برای همه‌پرسی، جدایی‌خواهی و استقلال‌طلبی تلقی شود. هر زمان ناسیونالیسم زبانی در این منطقه با بحران اقتصادی ترکیب شده، اهرم قوی برای جدایی‌طلبی و فشار بر حکومت مرکزی بوده است. از این‌رو، متن حاضر بر آن است تا به بررسی نقش مؤلفه‌های اقتصادی در گرایش به جدایی‌طلبی و استقلال‌خواهی در کاتالونیای اسپانیا بپردازد. لذا، هدف اساسی پژوهش حاضر «تبیین اقتصادی جدایی‌طلبی کاتالونیا از اسپانیا بر مبنای رویکرد انتخاب عقلانی» است. متناسب با هدف مقاله، می‌توان اهمیت داخلی آن را برای کشور خودمان نیز نشان داد: این که مبحث شاخص‌های اقتصادی و بعضاً کم‌توجهی و یا بی‌توجهی در اعمال رویه‌های قانونی در تصویب و تخصیص منابع برای مناطقی که سهم مهمی را در اقتصاد کشور دارند (همچون نواحی جنوب کشور خاصه خوزستان و نیز نواحی شمالی) و یا مناطق مرزی که دارای گرایشات قومی هستند، می‌تواند موجبات احتمالی واگرایی و تضعیف هم‌بستگی ملی را فراهم سازد. لذا، مقاله این موضوع را برجسته کرده و نشان خواهد داد که بی‌توجهی به نابرابری اقتصادی تا چه حد می‌تواند به عنوان تهدید برای مسئله هویت‌خواهی و استقلال‌طلبی در ایران تلقی شود. در کنار این‌ها، افزایش آگاهی قومی با توجه به شبکه ارتباطات که می‌تواند منجر به ایجاد همبستگی در ورای مرزهای ملی شود، برای هر دولت-ملتی خطر ساز تلقی می‌شود؛ از این‌رو، بحث هویت‌خواهی و استقلال‌طلبی در کاتالونیا می‌تواند بر مسئله قومیت‌ها در ایران تأثیرگذار باشد و به عنوان یک محرک و عامل انگیزه‌ای عمل کند. در نهایت، این پژوهش از این جهت برای محققان و قومیت‌های ایرانی می‌تواند حائز اهمیت باشد که این جریان‌های هویت‌طلب و جدایی‌طلب، می‌تواند برای بسیاری از جریان‌های هویت‌طلب و جدایی‌طلب در ایران الهام‌بخش باشد؛ بنابراین تحلیل علمی آن‌ها بسیار ضروری و حائز اهمیت است.

متناسب با موضوع این مقاله، با این سؤال روبه‌رو هستیم که آیا شاخص‌های توسعه اقتصادی می‌توانند عاملی برای جدایی‌طلبی کاتالونیا از اسپانیا باشند؟ و آیا رویکرد انتخاب عقلانی از قابلیت تبیین نقش عامل اقتصادی در جدایی‌طلبی منطقه کاتالونیا از اسپانیا برخوردار است.

۱. پیشینه پژوهش

علی‌رغم تلاش و جستجوی نگارنده، هیچ تحقیق علمی و قابل‌ذکری در راستای «بررسی نقش شاخص‌های اقتصاد در جدایی‌طلبی منطقه کاتالونیا بر اساس رویکرد انتخاب عقلانی» در دسترس نبوده و انجام نگرفته است. مهرانوش اسدی امیرآبادی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر جریان‌های هویت‌طلبی و جدایی‌طلبی بر یک‌پارچگی اتحادیه اروپا؛ با تأکید بر اسپانیا»، در چنین گرایش‌های واگرایانه‌ای، عوامل قومی، زبانی و احساس محرومیت نسبی و بحران اقتصادی اروپا را دخیل می‌داند. او در ادامه پژوهش خود، به این نتیجه می‌رسد که امروزه اگرچه ظاهراً پروژه هم‌گرایی نهادی در اتحادیه اروپا به سرعت پیش می‌رود، اما جنبش‌های ملی‌گرایی قومی نیز در حال رشد هستند که یک‌پارچگی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، از جمله اسپانیا را تضعیف کرده است. رشد ملی‌گرایی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به‌ویژه پس از بحران اقتصادی، سبب واگرایی و تضعیف یک‌پارچگی اتحادیه اروپا شده است. علی خسروی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تمایلات جدایی‌طلبانه در اروپا: ریشه‌ها و روندها»، این مطلب را بررسی می‌کند که فعال شدن گسل‌های هویتی در جهان توسعه‌یافته، مسئله جدایی‌طلبی را به مسئله‌ای بین‌المللی مبدل ساخته است. لذا، وی در توضیح بحث خود، به طرح این پرسش می‌پردازد که محرک‌ها و علل اصلی فعال شدن گسل‌های هویتی در اروپا چیست؟ وی در پاسخ به سؤال محدودیت‌های اقتصادی ناشی از بحران‌های مالی و اقتصادی در غرب، اصلی‌ترین علت فعال شدن گسل‌های هویتی را بسیج قومی و سیاسی شدن تعلقات قوم‌گرایانه و گرایش‌های واگرایانه در اروپا می‌داند. ناصر حکمت‌نژاد و حسین زحمت‌کش در پژوهشی با عنوان «کالبدشکافی جنبش فرهنگی - زبانی و سیاسی کاتالونیا (کاتالانیسم)»، به بررسی این جنبش جدایی‌طلب پرداخته و معتقدند این جنبش در ابتدا ماهیتی فرهنگی - زبانی داشته و سپس بر اثر عوامل چندی ماهیت سیاسی نیز یافته است و درنهایت، بررسی می‌کنند که بحران اقتصادی، تحریک‌کننده بحران هویتی و جدایی‌طلبی است. تونی رودن (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «دولت مستقل بعدی در اروپا؟ موقعیت حساس کاتالونیا و معمای استقلال»، عنوان می‌دارد که علت استقلال‌طلبی در کاتالونیا تنها عوامل اقتصادی نیست، بلکه مسائل سیاسی و دموکراتیک و تکثرگرایی نیز در این فرآیند نقش ایفا می‌کنند. اسکات گریپر (۲۰۰۷) در کتاب خود با عنوان «ملی‌گرایی و خودحکومت‌گری؛ سیاست خودمختاری در اسکاتلند و کاتالونیا»، به بررسی سیاسی و تاریخی این دو جریان جدایی‌طلب پرداخته است. او معتقد است آنچه بسیاری را به پیوستن یا نپیوستن به این جریانات رهنمون می‌شود، پاسخ به این سؤال است

که آیا نتیجه موفقیت این جریانات، ثبات و شکوفایی نهادهای شرکت‌کنندگان مانند دانشگاه یا پزشکان خواهد بود یا خیر؟ آن‌ها در صورتی از این جریانات حمایت می‌کنند که پاسخ به این سؤال مثبت باشد. منابعی که مورد بررسی قرار گرفت، هیچ‌کدام به صورت مستقیم و هم‌زمان به بررسی و تبیین اقتصادی جدایی‌طلبی کاتالونیا از اسپانیا بر مبنای رویکرد انتخاب عقلانی نپرداخته، بلکه به عوامل دیگر، خاصه عوامل فرهنگی بیشتر اشاره داشته‌اند. این پژوهش، در پی آن است تا صرفاً نقش شاخص‌های اقتصاد را بر جدایی‌طلبی و استقلال‌خواهی کاتالونیا مورد بررسی قرار دهد.

همان‌گونه که گفته شد، سوابق تجربی خارجی و داخلی، رابطه میان وضعیت اقتصادی منطقه کاتالونیا که دارای شاخص‌های اقتصادی فوق‌العاده‌ای به نسبت اقتصاد اسپانیا است و نقش آن در جدایی‌طلبی این منطقه، یا بررسی نشده و یا به نقش شاخص‌های مختلف اقتصادی بر گرایش مردم منطقه به استقلال‌طلبی نسبت به سایر عوامل و شاخص‌ها (فرهنگی و سیاسی-اجتماعی) کم‌تر توجه و پرداخته شده است. لذا تفاوت اصلی پژوهش حاضر نسبت به سوابق تجربی موجود، در اشاره به نقش برجسته شاخص‌های مختلف اقتصادی بر جدایی‌طلبی و استقلال‌خواهی منطقه کاتالونیا است که بر مبنای رویکرد نظری انتخاب عقلانی صورت خواهد گرفت.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر با ماهیت توصیفی-تحلیلی و استفاده از روش گردآوری داده کمی و از نوع مطالعه ثانوی، درصدد مقایسه شاخص‌های مختلف توسعه اقتصادی منطقه کاتالونیا با اسپانیا بوده است. داده‌های پژوهش به صورت تمام‌شماری و با استفاده از روش نمونه‌گیری قضاوتی و هدف‌مند طی سنوات ۲۰۱۷-۲۰۱۲، از پایگاه اطلاعاتی صندوق بین‌المللی پول و سازمان جهانی تجارت^۱ به عنوان جامعه آماری مورد بررسی، گردآوری و مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته است.

۳. چارچوب نظری: نظریه انتخاب عقلانی

۱-۳. دلایل استفاده از رویکرد انتخاب عقلانی

اگرچه کاربرد نظریه انتخاب عقلانی در کشورهای جهان سوم، به‌ویژه خاورمیانه که مشارکت توده‌ها در جنبش‌های جمعی از حساب‌گری مبتنی بر سود و زیان فراتر می‌رود، با مشکلات زیادی همراه است، اما انتخاب آن در موضوع موردتوجه این پژوهش، یعنی اروپا، به دلایل مختلف و از جمله ارزش‌های نهادینه‌شده فردگرایی و محاسبه‌گری ناشی از فرهنگ

لیبرالی توجیه‌پذیر است و لذا، می‌توان از آن به ره‌یافتی که بیش-ترین امید را برای رسیدن به درجه بالاتری از اجماع نظری در باب مسئله قومیت و ناسیونالیسم قومی به وجود می‌آورد، یاد کرد (خسروی، ۱۵۳: ۱۳۹۵). از سوی دیگر، این برای تبیین منشأ بحران‌های اجتماعی-سیاسی و قومی کاربرد زیادی دارد، زیرا به کمک اعمال فنون تجربی مختلف روی مجموعه گسترده‌ای از شاخص‌های جمعی ناظر بر عملکرد اقتصادی و نقش آن بر تغییرات اجتماعی به اثبات رسیده است (کرمی، ۱۳۹۲: ۲۵-۱۰).

مهم‌ترین ریشه نظریه انتخاب عقلانی (که اختیار عاقلانه و گزینش معقولانه نیز نامیده شده است)، از دیدگاه صاحب‌نظران، اقتصاد کلاسیک و نوکلاسیک است. اقتصاددانان کلاسیک انسان‌ها را به‌عنوان جستجوگرانی منطقی که به دنبال حداکثر کردن سود خویش هستند، می‌شناسند. آدام اسمیت تقسیم‌کار و اشتغال افراد به مشاغل مختلف را نتیجه منطقی تمایل افراد به مبادله می‌داند که منشأ آن نفع شخصی است (Сморгунов, 2004: 62-63). گرچه به عقیده بسیار از محققان و به‌خصوص محققان آمریکایی از جمله گرین، در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰، رویکرد انتخاب عقلانی چندان نقش مهمی در عرصه اجتماعی و به‌ویژه عرصه سیاست نداشت (Грин, 1997: 297-298). اما از اواخر دهه ۱۹۹۰-۱۹۸۰، این رویکرد گسترشی وسیع در علوم اجتماعی، چه در آمریکا و چه در مکتب کشورهای اسکاندیناوی و هم‌چنین ژاپن، پیدا کرده است و در سال‌های اخیر، هم‌زمان با گسترش دوره پست‌مدرن، رویکرد عقلانی نیز به توسعه خود ادامه داده است؛ به طوری که امروزه دارای نقش بسیار مهمی در عرصه علوم سیاسی است (Култыгин, 2004: 27-37)؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت یکی از برجسته‌ترین پیشرفت‌های اخیر در علوم اجتماعی، ظهور «نظریه یا رویکرد انتخاب عقلانی»^۱ است. اصول و مبانی (آگزایوم) کنش‌گر عقلانی، پایه تقریباً تمام نظریه‌پردازی‌های مؤثر در علوم اجتماعی است (Udehn, 2001: 23). این در حالی است که این نظریه، ابتدا از حوزه علم اقتصاد به حوزه علوم اجتماعی راه یافت و از دهه ۱۹۵۰، به‌عنوان بخشی از مطالعات آکادمیک سیاست پذیرفته شد و در سال‌های بعد از شهرت و جذابیت ویژه‌ای برخوردار شد (Walt, 1999: 9). جذابیت نظریه انتخاب عقلانی (که علت گسترش آن نیز بوده است)، اولین بار توسط جیمز کلمن تشریح شد. به نظر کلمن، نظریه انتخاب عقلانی به‌عنوان اساس و پایه یک نظریه، «جذابیت بی‌نظیری» دارد، زیرا مفهوم‌اش آن‌چنان کامل و کاربردی است که ما را از سؤالات بیشتر بی‌نیاز می‌گرداند (علی‌وردی نیا، ۱۳۹۲: ۲۵-۹). در این راستا، بسیاری اعتقاد دارند نظریه انتخاب عقلانی، بازیگران

سیاسی را به‌عنوان واحدهای تحلیلی در نظر می‌گیرد که رفتارهایشان را به شیوه عقلانی تنظیم می‌کنند. در این رهپافت، فرض بر این است که رفتار و تصمیمات بازیگران بر اساس شرایط محیطی، محدودیت‌های ساختاری، ارزش‌ها، انتظارات و امکانات مادی شکل می‌گیرد و بازیگران در قالب این چارچوب‌ها و محدودیت‌ها درصدد به حداکثر رساندن سود خود هستند (Razi, 1988: 689).

به عبارت دیگر، می‌توان گفت در نظریه انتخاب عقلانی، جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنش عقلانی دارند. کنش عقلانی در این منظر، «کنش عقلانی معطوف به هدف» در تعریف وبر یا کنش مبتنی بر عقلانیت ابزاری است. به این معنی که این افراد آگاه و مختار و هدف‌مند در هر شرایطی به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند (Култыгин, 2007: 2-7). به عقیده لیتل، «کار فاعلانی عاقلانه است که در چارچوب اعتقادات‌شان، نسبت به حالات ممکنه و عواقب مختار شقوق، شقی را برگزینند که برای رسیدن به غایات‌شان بهترین راه باشد» (لیتل، ۱۳۷۳: ۲۳). کلمن نیز معتقد است در برخی موقعیت‌ها، «استفاده از آن مفهوم از عقلانیت که در اقتصاد به کار می‌رود ضروری است؛ مفهومی که اساس کنش‌گر عقلانی را در نظریه اقتصادی تشکیل می‌دهد. این مفهوم بر پایه اندیشه کنش‌های مختلف یا در بعضی موارد، کالاهای مختلف استوار است که فایده معینی برای کنش‌گر دارد و همراه با یک اصل کنش است که می‌توان آن را این‌گونه بیان کرد که کنش‌گر کنشی را انتخاب می‌کند که حداکثر فایده را نصیب او سازد» (کلمن، ۱۳۷۷: ۳۲). هراسانی^۱ نیز عمل عقلانی را در زندگی روزمره، رفتاری می‌داند که طی آن افراد بهترین وسایل در دسترس را برای رسیدن به یک هدف مشخص انتخاب می‌کنند. استفان فیشر^۲ به‌صورت خلاصه مفاهیم و مفروض‌های نظریه انتخاب عقلانی را چنین بیان می‌کند:

۱. هدف این نظریه تولید قواعد جهانی یا عمومی حاکم بر رفتار اجتماعی از طریق تعریف تعادل است. تعادل زمانی شکل می‌گیرد که هیچ‌کس تمایل به تغییر رفتار خود نداشته باشد. این تعادل وقتی است که افراد (نه گروه‌ها) نفع مورد انتظار خود را به حداکثر می‌رسانند. ۲. این نظریه، بر پایه فردگرایی روش‌شناختی است، نه فردگرایی وجودشناختی. یعنی انتخاب عقلانی، وجود گروه‌ها را انکار نمی‌کند، بلکه ادعا می‌کند فقط افرادند که عمل می‌کنند (Fisher, 203: 3).

بنا بر پیش‌فرض اقتصاد کلاسیک که معتقد است به عدم‌مداخله دولت در بازار و نظم خود به خودی که توسط سازوکارهای درونی بازار ایجاد می‌شود، نظریه انتخاب عقلانی جامعه را در وضعیت عادی‌اش سرشار از توافق می‌داند. کرایب اشاره می‌کند: «ثبات و نظم را افرادی پدید می‌آورند که دست به انتخاب‌های عقلانی آزاد می‌زنند. در چنین حالتی، ماهیت نظام‌یافته

جامعه، نتیجه آن چیزی تلقی می‌شود که آدم اسمیت آن را «دست نامرئی» نامیده است» (کرایب، ۱۳۹۰: ۹۰-۱). لذا، بی دلیل نیست که این نظریه را ایدئولوژی نظریه انتخاب عقلانی می‌دانند. نظریه انتخاب عقلانی بر اساس مفروضات و مبانی زیر بنا شده است که ترنر در ساخت نظریه اجتماعی آن‌ها را به این شرح آورده است: اول، انسان‌ها موجوداتی دارای قصد و نیت هستند. انسان‌ها سلاقی یا منافع خود را بر اساس اهمیت هر کدام از آن‌ها رتبه‌بندی می‌کنند؛ دوم، انسان‌ها در انتخاب روش‌های رفتار، از محاسبات عقلانی استفاده می‌کنند؛ با رعایت موارد زیر: الف: منافع حاصل از روش‌های جایگزین رفتار، با رجوع به سلسله‌مراتب امیال و ترجیحات فرد مشخص می‌شود. ب: هزینه استفاده از هر روش برابر است با صرف نظر کردن از منافع سایر روش‌ها و هزینه فرصت ازدست‌رفته. ج: روشی بهترین است که منجر به حداکثر سود شود. د: پدیده‌های اجتماعی بیرونی مثل ساختارهای اجتماعی، تصمیمات جمعی و رفتار جمعی، ناشی از تصمیمات عاقلانه افرادی است که سود خود را به حداکثر می‌رسانند (حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۸-۲). بنابراین، با توجه به مفروضات نظریه انتخاب عقلانی می‌توان گفت که سیاست‌گذاری عقلانی درصدد دستیابی به حداکثر فایده اجتماعی است؛ یعنی حکومت‌ها یا رهبران سیاست‌هایی را انتخاب می‌کنند که پیگیری آن، حداکثر فایده و حداقل هزینه را برایشان در پی داشته باشد و هزینه بیش‌تر از فایده نباشد. نکته مهم این‌که دو راهنمای مهم در تعریف حداکثر فایده اجتماعی وجود دارد: نخست، هزینه هیچ سیاستی نباید از فایده آن بالاتر رود و دوم، تصمیم گیران باید در میان بدیل‌های سیاسی، سیاستی را انتخاب کنند که بیش‌ترین فایده را نسبت به هزینه در پی داشته باشد. به عبارت دیگر، سیاست زمانی عقلانی است که تفاوت بین ارزش‌هایی که به دست می‌آید و ارزش‌هایی که قربانی می‌شود، مثبت و بیش‌تر از بدیل‌های دیگر باشد (Швери, 1997: 37-46).

۲-۳. نظریه انتخاب عقلانی و منازعات قومی

امروزه، گسترش نزاع‌های قومی موجب از دست رفتن بسیاری از سرمایه‌های انسانی و اقتصادی شده و سود حاصل از نزاع‌های قومی بسیار ناچیزتر از ضررهایی است که این‌گونه نزاع‌ها به وجود می‌آورند؛ به‌گونه‌ای که گسترش و توسعه تئوری‌های مرتبط با این‌گونه رفتارها در طول تاریخ و مطالعات کشمکش‌های قومی، گواهی بر این ادعا است. این مسئله باعث شده است تا در سال‌های اخیر، تحقیقات گسترده‌ای در خصوص نزاع قومی صورت گیرد و هر یک از این محققین با پرداختن به زوایا، ابعاد و اجزایی، سعی در تبیین این موضوع داشته باشند.

در این راستا، هکتر اعتقاد دارد که نظریه انتخاب عقلانی رهیافتی است که بیش‌ترین امید را برای رسیدن به درجه بالاتری از اجماع در مسئله قومیت‌ها و روابط نژادی پدید می‌آورد. به اعتقاد او، اعضای هر گروه قومی فقط زمانی در اقدام جمعی مشارکت می‌کنند که به این نتیجه رسیده باشند که از این طریق نفعی شخصی عاید آن‌ها می‌شود. به نظر هکتر، جنبش اجتماعی قومی زمانی شکل می‌گیرد که تعدادی کافی از اعضای گروه برای مشارکت در آن توافق کنند و حساب‌گران و عاقبت‌اندیشان زمانی به این کار تن در می‌دهند که منافع مورد انتظارشان بیش از زیان‌های احتمالی باشد (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۵۸).

این فرضیات، تبدیل به اساس و پایه‌ای شده برای تحلیل و بررسی مسئله قومیت‌ها که از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت، در چهارچوب رویکرد انتخاب عقلانی، فرض اساسی در پیش‌بینی رفتار قومیت‌ها، این است که این رفتارها، رویه‌های منظم و معقول دارند. با شناخت این رویه‌ها و معقولیت‌ها، می‌توان بر اساس رویکرد انتخاب عقلانی، به تحلیلی از جامعه دست‌یافت، پیش‌بینی روشنی از نزاع‌های قومی ارائه داد و در نتیجه، تلاشی در جهت اصلاح و کاهش این نزاع در پیش گرفت. نظریه‌گزینش عقلانی یکی از نظریه‌هایی است که چنین فرازوفرودهایی را تجربه کرده است. توجه نظریه‌گزینش عقلانی به هردوی ویژگی‌های نزاع قومی و دلایل شکل‌گیری آن‌ها، این رویکرد را به جریانی متفاوت‌تر و پویاتر - خواه نسبت به ریشه‌های کلاسیک‌ترش و یا نسبت به نظریه‌های معاصر نزاع قومی - مبدل کرده است. در این رهیافت، رفتارها و تصمیم‌های افراد، متأثر از شرایط محیطی، محدودیت‌های ساختاری، کنش‌های متقابل، ارزش‌ها، امکانات و توانایی‌های مالی و رفاهی افراد و انتظارات‌شان است. افراد در تصمیم‌گیری‌ها، در این چارچوب‌ها و محدودیت‌ها محصور و درعین حال مترصد دست‌یابی به حداکثر سود هستند. بر پایه این نظریه، عضویت افراد در گروه‌های قومی، حاصل آگاهی‌های قومی است که خود از خلال گزینش‌های فردی و جمعی منتج می‌شود. به باور بانتون، این گزینش مرتباً صورت می‌گیرد و گروه قومی نیز با توجه به این‌که افراد پیوسته در حال سنجش امتیازات و بهای در پیش گرفتن خط‌مشی‌های گوناگون خود هستند، در حال تغییر و تحول است. این افراد، با عضویت خود در گروه‌های قومی، تمایزات خود را از دیگر افراد و گروه‌ها مشخص می‌کنند و اقدامات جمعی خود را در چارچوب منافع موجود و متصور جستجو می‌کنند. یا به‌عبارت‌دیگر، می‌توان گفت که تک‌تک افراد گروه قومی، نسبت به شرکت در یک اقدام جمعی به‌طور کلی، و نزاع قومی به‌طور اخص، تحریک می‌شوند. افراد را می‌توان نسبت به مشارکت در اقدام جمعی اقناع کرد، اگر این حقیقت را درک کنند که مشارکت‌شان در این اقدام، منافع شخصی به دنبال دارد

انگیزه‌های گرینشی) و یا این که اگر بفهمند که سهم ایشان در این اقدام جمعی، بالاخره تفاوتی در نتیجه نهایی به بار می‌آورد (به‌عنوان مثال در تحقق منافع جمعی مؤثر است). طبق نظر هچر و تعداد دیگری از نویسندگان، برآورد افراد از میزان منافع شخصی که از مشارکت در اقدام جمعی نصیب‌شان می‌شود، هنگامی افزایش می‌یابد که سازمان دارای منابع زیادی، گذشته از آن چه در خلال اقدام جمعی عایدشان می‌شود، باشد (Friedman and Appelbaum, 1982: 16).
توان نظارتی سازمان به‌اندازه کافی وسعت یافته باشد که بتوانند حامیان‌اش را مشمول انگیزه‌های گرینش کند و افرادی را که متمایل به اتخاذ گرایشی آزاد هستند، کیفر دهد و سرانجام آن که سازمان باید دارای پیشینه و سابقه‌ای روشن در زمینه رعایت عدالت در امر توزیع باشد.

۴. اسپانیا و منطقه کاتالونیا

اسپانیا یا به‌طور رسمی پادشاهی اسپانیا، کشوری واقع در شبه‌جزیره ایبری با مساحت ۵۰۵ هزار و ۹۹۰ کیلومترمربع (پنج‌جاه و یکمین کشور وسیع جهان) و جمعیت ۴۶ میلیون و ۳۵۴ هزار نفر (سی‌امین کشور پرجمعیت جهان) دارای تولید ناخالص داخلی یک تریلیون و سیصد و هفت میلیارد دلار و درآمد سرانه ۳۰۶۸۹ دلار است. اقتصاد اسپانیا برحسب شاخص تولید ناخالص داخلی، چهاردهمین اقتصاد بزرگ جهان و یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان برحسب شاخص سرانه قدرت خرید است. این کشور عضو اتحادیه اروپا و منطقه پولی و بازار مشترک آن، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و سازمان جهانی تجارت است و نظام اقتصادی آن نیز مبتنی بر سرمایه‌داری ترکیبی است. اسپانیا پس از آلمان، انگلیس، ایتالیا و فرانسه پنجمین اقتصاد بزرگ اروپا و چهارمین اقتصاد بزرگ منطقه یورو است. این کشور در سال ۲۰۱۲، دوازدهمین صادرکننده و شانزدهمین واردکننده بزرگ در جهان بود. در شاخص توسعه انسانی سازمان ملل متحد، در رتبه بیست جهان قرار دارد و بانک جهانی نیز در رتبه‌بندی جهانی اقتصادهای بزرگ برحسب شاخص درآمد سرانه در سال ۲۰۱۷، آن را در رتبه ۲۸ قرار داد که بدین ترتیب، این کشور در میان کشورهای با درآمد سرانه بالا و با توسعه انسانی بسیار بالا قرار می‌گیرد. بر اساس رتبه‌بندی نشریه معتبر اقتصادی اکونومیست، اسپانیا دارای رتبه دهم شاخص کیفیت زندگی در جهان است (The Economist, 2017). اما کاتالونیا یکی از مناطق اسپانیا است که بر اساس قانون اساسی پادشاهی اسپانیا، منطقه‌ای خودمختار واقع در شمال شرقی منتهی‌الیه شبه‌جزیره ایبری است. این منطقه به‌واسطه وضعیت خودمختاری آن، یک ملیت جدا به شمار می‌رود و متشکل از چهار استان بارسلونا، خیرونا، لیدا و تاراگونا است. بارسلونا پایتخت

و بزرگترین شهر آن، دومین منطقه پرجمعیت شهری در اسپانیا و مرکز هفتمین منطقه پرجمعیت شهری در تمام اتحادیه اروپا و از شهرهای پیشرو در حوزه‌های مختلف اقتصادی، علمی و فرهنگی اروپا است. مساحت کاتالونیا معادل ۳۱ هزار و ۱۰۸ کیلومترمربع (ششمین منطقه از لحاظ مساحت در اسپانیا) و جمعیت آن معادل هفت و نیم میلیون نفر، معادل شانزده درصد جمعیت اسپانیا و دومین منطقه پرجمعیت آن است (EU STATS, 2018).

۵. بحران اقتصادی اسپانیا

بحران عظیم بخش مالی اسپانیا که اقتصاد این کشور را نیز به شکلی گسترده و عمیق تحت تأثیر قرار داده است، سال ۲۰۰۸ و به دنبال شروع بحران مالی جهانی پدیدار شد. این بحران باعث شد که اسپانیا نیز در ردیف کشورهای درگیر بحران منطقه یورو قرار بگیرد. به دنبال این اتفاق، دولت اسپانیا قادر به پرداخت وام به بخش مالی درگیر بحران خود نبود و مجبور شد از طریق سازوکار ثبات مالی اروپا، یک بسته نجات مالی صد میلیارد یورویی دریافت کند. بحران بخش مسکن و رشد بالا و درعین حال ناپایدار تولید ناخالص داخلی این کشور، به دنبال آن، اصلی‌ترین علت بحران مالی اسپانیا بود. از سوی دیگر، با وجود افزایش هزینه‌های دولت تا سال ۲۰۰۲، افزایش درآمد دولت از محل مالیات‌های فزاینده از بخش مسکن و ساختمان که با رونق بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شده بود، باعث شد مزاد درآمدی دولت اسپانیا در این دوره حفظ شود. دولت نیز با کم کردن نظارت بر بانک‌ها و در نتیجه، فراهم کردن فضای کافی برای تخطی از استانداردهای هیئت بین‌المللی استانداردهای حساب‌رسی، به افزایش قانون‌گریزی‌ها و سپس بحرانی که در این مرحله مانند آتش زیر خاکستر بود، دامن زد. نتایج بحران برای اسپانیا ویران‌گر بودند: کاهش شدید رشد اقتصادی، افزایش شدید بیکاری و ورشکستگی بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ از آن جمله بودند (Hidalgo, 2018:1-2).

با وجود آن که حتی پیش از شروع این بحران نیز وجود برخی مشکلات اساسی و زیربنایی در اقتصاد اسپانیا مشهود بود، اما علی‌رغم تغییر حزب حاکم در سال ۲۰۰۴ در این کشور، رشد ناپایدار بخش مسکن و املاک ادامه یافت. اسپانیا در این سال‌ها با کسری شدید تجاری، از دست دادن رقابت‌پذیری در برابر شرکای اصلی تجاری و نرخ تورم بالاتر از حد میانگین، افزایش قیمت مسکن و افزایش بدهی خانوارها روبه‌رو بود. در سه‌ماهه سوم سال ۲۰۰۸، برای اولین بار در پانزده سال قبل از آن، اقتصاد اسپانیا دچار انقباض شد و تولید ناخالص داخلی‌اش کاهش یافت

و در فوریه ۲۰۰۹ اسپانیا و دیگر اقتصادهای عمده اروپا به‌طور رسمی وارد دوره بحران و رکود شدند. اقتصاد اسپانیا در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به ترتیب ۷/۳٪ و ۱/۰٪ کوچک شد و در سال ۲۰۱۱ نیز فقط به رشد ۷/۰٪ دست پیدا کرد. در سال ۲۰۱۲ نیز اقتصاد اسپانیا شاهد رشد منفی به میزان ۷/۱٪ بود. بسته نجات صد میلیارد یورویی اقتصاد اسپانیا در نهم ژوئن ۲۰۱۲، مورد موافقت وزرای امور اقتصادی و دارایی اتحادیه اروپا قرار گرفت. تروئیکا اروپایی شامل کمیسیون اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین‌المللی پول در اکتبر ۲۰۱۲، مذاکرات با اسپانیا را با هدف ایجاد برنامه احیای اقتصادی موردنیاز برای تأمین وام‌های بیشتر نجات اقتصادی به این کشور از طریق سازوکار ثبات‌بخشی اروپا شروع کردند (Financial Times, 2018).

بحران مالی و اقتصادی اسپانیا به‌خوبی نشان داد که مشکلات منطقه یورو بسیار بیش‌تر و عمیق‌تر از صرفاً بی‌نظمی‌های مالی دولت‌ها و بانک‌های بزرگ این منطقه است. دولت اسپانیا درست تا آستانه سال ۲۰۰۸، به‌خوبی استقراض خارجی خود را تحت کنترل داشت و هر سال نیز بودجه‌ای متوازن تدوین و اجرا می‌کرد. پیش از بحران سال ۲۰۰۸، همان‌طور که گفته شد، اسپانیا برخلاف آلمان شاهد کاهش ضریب بدهی به تولید ناخالص داخلی بود؛ درحالی‌که همین ضریب در آلمان با افزایش قابل‌ملاحظه روبه‌رو شد. مناطق هدفه‌گانه تقسیمات اداری اسپانیا نیز هر کدام با بدهی‌های بزرگی روبه‌رو بودند. از سوی دیگر، هزینه بسیاری از خدمات اولیه ارائه‌شده در هر یک از مناطق اسپانیا، از جمله هزینه خدمات اجتماعی، بهداشت و آموزش که کمتر از بیست درصد هزینه‌های دولت را در بودجه فدرال تشکیل می‌داد، از سوی خود مناطق فراهم می‌شد. به‌عنوان مثال، نیاز مالی مناطق برای بازپرداخت بدهی‌های خود در سال ۲۰۱۲ به ۳۶ میلیارد یورو بالغ می‌شد. این شرایط، به افزایش تنش‌های سیاسی انجامید. دولت محلی کاتالونیا خواستار برگزاری انتخابات زودهنگام سال ۲۰۱۲ در بیست و پنجم نوامبر همان سال شد که به‌طور گسترده به‌عنوان یک همه‌پرسی غیررسمی برای سنجش میزان مقبولیت استقلال این منطقه و جدایی آن از دولت مرکزی اسپانیا در نظر گرفته شد. این انتخابات، طرح‌های ملی اصلاحات اقتصادی وقت در اسپانیا را تا حد زیادی دچار اخلال کرد. درخواست برگزاری انتخابات از سوی آرتور ماس، رئیس‌جمهور منطقه خودگردان کاتالونیا و در واکنش به برگزاری تظاهرات گسترده جدایی‌طلبانه بارسلونا در یازدهم سپتامبر، روز ملی کاتالونیا، و شکست گفتگوها میان ماس از حزب همگرایی و اتحاد و ماریانو راخوی، نخست‌وزیر اسپانیا، با هدف اعطای استقلال مالی گسترده به کاتالونیا صورت گرفت. این انتخابات، برخلاف تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌هایی که قبل از برگزاری آن ارائه شد، به صحنه شکست حزب همگرایی و اتحاد و همچنین حزب سوسیالیست

کاتالونیا تبدیل شد؛ در شرایطی که حزب استقلال طلب چپ جمهوری خواه کاتالونیا موفق شد به سومین نیروی عمده پارلمان این منطقه تبدیل شود و بخش اعظم نیرویی که در انتخابات سال ۲۰۱۰ از دست داده بود را مجدداً به دست بیاورد و برای اولین بار به نخستین نیروی اصلی اپوزیسیون پارلمان تبدیل شود (Reuters, 2012).

۶. جدایی طلبی کاتالونیا از اسپانیا

استان‌های تاراگونا، بارسلونا و خیرونا دارای سواحل مدیترانه‌ای هستند و رشته‌کوه‌های کم‌ارتفاع کاتالانی در دشت‌های ساحلی، آن‌ها را از حوزه آبخیز رودخانه ابرو جدا می‌کند. این رشته‌کوه‌ها، به‌طور تاریخی شهرهای صنعتی ساحلی را از سکونت‌گاه‌های کشاورزی سرزمین‌های درونی جدا کرده‌اند. اصلی‌ترین رودخانه‌های کاتالونیا عبارت‌اند از «Ter, Llobregat, Ebro» که تمامی آن‌ها به دریای مدیترانه می‌ریزند. در اغلب سرزمین کاتالونیا، نوعی آب و هوای مدیترانه‌ای معتدل غالب است که دارای تابستان‌های گرم و خشک و زمستان‌های نسبتاً بارانی است (Europe.eu, 2017). شهرهای ساحلی بارسلونا همواره نیروی محرکه این منطقه بوده‌اند که در نتیجه آن، جمعیت کاتالونیا به شدت در امتداد ساحل مدیترانه متمرکز شده است و به سرعت، جمعیت ساکن سرزمین‌های داخلی را نیز به سوی خود جذب و آن‌ها را خالی از سکنه کرده است. در قرن بیستم نیز جمعیت به‌طور فزاینده در شهر بارسلونا و شهرهای اقماری اطراف آن ساکن شدند. الگوی تاریخ توسعه کاتالونیا، به‌خوبی نشان‌دهنده و بازتاب‌دهنده گرایش‌های جدایی‌طلبانه‌ای است که در تاریخ این منطقه شکل گرفته‌اند. به این ترتیب که شهرهای مرفه و صنعتی سواحل مدیترانه در کاتالونیا، به علت عدم نیاز به سرزمین داخلی اسپانیا و دیگر شهرهای این کشور، به جهت تأمین مایحتاج و تجارت و صورت دادن بخش اعظم تجارت خود با کشورهای خارجی از طریق دریا و رفع نیاز از دیگر کشورها، احساس وابستگی و هم‌بستگی متقابل کم‌تری با سرزمین اسپانیا داشته است. البته این عامل در کنار تفاوت‌های نژادی و زبانی و احساس برتری مردم این منطقه نسبت به ساکنان دیگر مناطق اسپانیا، در شکل‌گیری گرایش‌های جدایی‌طلبانه مؤثر بوده است (Anastazia 2014: 3-7). جنبش ناسیونالیسم کاتالونیا که خواستار به رسمیت شناخته شدن شخصیت سیاسی کاتالونیا با منطقه کاتالونی زبان است، در دوران رمانتیسم در اواسط قرن نوزدهم متولد شد و همراه با جنبش ناسیونالیسم باسک، از مردمی‌ترین جنبش‌های مقاومت در برابر گرایش‌های سانترالیسم و هم‌گون‌سازی دولت مدرن اسپانیا بوده است. نکته

حائز اهمیت این‌که ناسیونالیسم کاتالونیا نه بر مبنای قومیت، بلکه بر اساس زبان، فرهنگ، تاریخ و سرزمین استوار است و از نظر سنتی، عمیقاً از مذهب کاتولیک تأثیر پذیرفته است. اگرچه این منطقه در دوره‌هایی از تاریخ گذشته توانسته بود به خودمختاری دست یابد، اما در دوران جنگ داخلی اسپانیا (از ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹) خودمختاری کاتالونیا افول کرده و بعد از جنگ و با به قدرت رسیدن ژنرال فرانکو که حکومتی فاشیستی به وجود آمد، عملاً کاتالونیا بار دیگر خودمختاری خود را از دست داد و تبدیل به مستعمره حکومت فرانکو شد. رهبران ناسیونالیسم کاتالونی در دهه ۱۹۷۰، فعالیت‌های علنی خود را از سر گرفتند. نظام شبه‌فدرال اسپانیا در سال ۱۹۷۸، امتیازی بود که در ازای مشارکت ناسیونالیست‌های کاتالونیا و باسک، در گذار به دموکراسی به آن‌ها داده شد. کاتالونیا در سال ۱۹۷۹، به جایگاه تازه‌ای دست یافت. «خوردی پوخول» بنیان‌گذار و رهبر حزب ناسیونالیست میانه‌رو «همگرایی دموکراتیک کاتالونیا»، در تمام انتخابات مستقلی که پس از سال ۱۹۸۰ برگزار شد به پیروزی دست‌یافت. این حزب خواستار آن بود که اسپانیا، کاتالونیا را به‌عنوان یک ملت به رسمیت بشناسد. یکی دیگر از پیشنهادات این حزب، آن بود که اتحادیه اروپا باید تنوع فرهنگی خود را محترم بشمارد و با پرهیز از اشتباهات تاریخی ملت‌سازی، پایه‌های خود را بر اساس این تنوع فرهنگی بسازد. درنهایت، کاتالونیا طی رفراندوم سال ۲۰۰۸ با رأی ۷۵٪ مردم اسپانیا به خودمختاری بیشتری دست‌یافت. با وجود این، کسب این امتیاز مهم به معنای افول عطش استقلال‌خواهی و جدایی‌طلبی نبود. رهبر کاتالونیا بعد از پیروزی هواداران استقلال در انتخابات سال ۲۰۱۲، تلاش برای برگزاری رفراندوم را آغاز کرد. روز ۱۹ سپتامبر پارلمان محلی کاتالونیا با ۱۰۶ رأی موافق در برابر ۲۸ رأی مخالف، مجوز برگزاری همه‌پرسی استقلال، مشابه آنچه در اسکاتلند برگزار شد را صادر و رئیس منطقه کاتالونیا با امضای مصوبه پارلمان محلی رسماً اعلام کرد که همه‌پرسی استقلال این منطقه از اسپانیا، روز ۹ نوامبر (۱۸ آبان) برگزار خواهد شد. بر اساس برخی تحلیل‌ها، در صورت جدایی کاتالونیا از اسپانیا و استقلال کامل اقتصادی آن، این منطقه می‌تواند به چند دلیل عمده، به اقتصادی موفق در نظام اقتصاد جهانی تبدیل شود. از طرفی، باید این نکته را در نظر داشت که مشکلات اقتصادی اسپانیا و موفقیت اقتصادی کاتالونیا و به‌طور کلی عامل اقتصادی، از اصلی‌ترین علل استقلال‌خواهی مردم این منطقه بوده است. در تشریح علل موفقیت آتی کاتالونیا به‌عنوان یک اقتصاد مستقل، می‌توان به این موارد اشاره کرد (The Independent, 2017):

نخست، می‌توان به جمعیت هفت و نیم میلیون نفری کاتالونیا اشاره کرد که می‌تواند شروع خوبی برای توسعه اقتصادی و ایجاد بازار مصرف نسبتاً مناسب باشد. هرچند مقیاسی جهانی و مورد قبول همگان در رابطه با میزان جمعیت موردنیاز برای موفقیت اقتصادی وجود ندارد، اما به‌عنوان مثال لوکزامبورگ با جمعیت تنها شش صد هزار نفری و بسیار کم‌تر از کاتالونیا، در حال حاضر از نظر سرانه تولید ناخالص داخلی، ثروتمندترین کشور جهان است. از سوی دیگر، کشورهایی با بازه جمعیتی پنج تا پانزده میلیون نفر، به‌اندازه کافی بزرگ هستند تا بتوانند طیف کاملی از خدمات اجتماعی به شهروندان خود ارائه دهند و از سوی دیگر، یک پارچگی اجتماعی خود را نیز حفظ کنند. ایرلند، نروژ، سوئد، دانمارک و سوئیس از جمله این کشورها هستند. عامل مهم دوم، موقعیت جغرافیایی است. برخورداری از همسایگان موفق از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، می‌تواند تأثیرات بسیار فراوانی بر رشد اقتصادی داخلی داشته باشد. کاتالونیا از این لحاظ بسیار خوش‌شانس است و در موقعیت راهبردی بسیار مناسبی واقع شده است و در صورت استقلال، تا زمانی که دچار انزوای خودخواسته سیاسی و اقتصادی نشود، موفقیت اقتصادی حتمی در انتظارش است. این منطقه با کشورهای ثروتمند فرانسه و اسپانیا و همچنین سواحل پررونق مدیترانه همسایه است. سوم، کاتالونیا دارای زیربناهای اقتصادی تثبیت‌شده‌ای است. این منطقه یک مرکز تولیدی بزرگ است، دو دانشگاه بزرگ اقتصادی دارد و صنایع خدماتی بزرگی در آن واقع شده‌اند. حامیان استقلال این منطقه نیز مدعی هستند با وجود آن که تنها هجده درصد جمعیت اسپانیا در آن زندگی می‌کنند، اما بیش از بیست درصد تولید ناخالص داخلی اسپانیا از کاتالونیا می‌آید و این منطقه بسیار بیش‌تر از آن‌چه از دولت مرکزی می‌گیرد، به آن مالیات می‌پردازد (The Independent, 2017).

درنهایت نیز باید به برند بودن نام کاتالونیا اشاره کرد. برند بودن یک مزیت اقتصادی ناملموس است که می‌تواند به‌عنوان اهرمی قدرت‌مند در برابر دیگر مزیت‌های اقتصادی، از جمله برخورداری از نیروی کار ارزان‌قیمت (موهبت اصلی کشورهای در حال توسعه)، مورد استفاده قرار بگیرد. ایرلند مثال روشنی در این مورد است که از برند خود (و نیروی کار آموزش‌دیده) برای تبدیل شدن به مرکز استقرار صنایع پیشرفته تولیدی شرکت‌های بزرگ چندملیتی آمریکا استفاده کرده است. کاتالونیا نیز از شهرت مناسب برای جذب شرکت‌ها و صنایع بزرگ جهان برخوردار است و تاکنون نیز نشان داده که از این توانایی بهره‌مند است (The Independent, 2017).

۷. یافته‌های پژوهش

۷-۱. بررسی اقتصاد اسپانیا

اقتصاد اسپانیا به دنبال بحران مالی بزرگ سال‌های ۸-۲۰۰۷، وارد یک دوره رکود و عمل کرد منفی شاخص‌های اقتصاد کلان شد. اسپانیا در مقایسه با آمریکا و اتحادیه اروپا، دیرتر وارد رکود شد و حتی در سال ۲۰۰۸ نیز همچنان در حال رشد بود؛ هرچند دیرتر از بحران خارج شد. در این دوره، رونق اقتصادی سال‌های ۲۰۰۰ روند معکوس پیدا کرد؛ به نحوی که یک چهارم نیروی کار اسپانیا بیکار شدند. به بیان دیگر، اقتصاد اسپانیا در فاصله سال‌های ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۳، ۹ درصد کوچک‌تر شد. رشد مجدد اقتصاد اسپانیا از سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۳ شروع شد و این کشور موفق شد کسری تجاری بی‌سابقه‌ای را که در دوره بحران مالی ایجاد کرده بود، جبران کند و سرانجام، پس از سه دهه در سال ۲۰۱۳، به مازاد تجاری دست یافت و در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ نیز آن را تقویت کرد. اقتصاد اسپانیا در سال ۲۰۱۵ به میزان ۲/۳ درصد رشد کرد که از سال ۲۰۰۷ بی‌سابقه بود. اقتصاد اسپانیا تنها ظرف دو سال ۲۰۱۵-۲۰۱۴، موفق شد هشتادوپنج درصد تولید ناخالص داخلی را که در دوره بحران مالی ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۲ از دست داده، مجدداً احیا کند؛ به نحوی که بسیاری از اقتصاددانان معتبر بین‌المللی، به اسپانیا به‌عنوان مثال بارز از تلاش‌های اصلاحات ساختاری اشاره می‌کنند (Spence, 2015). رشد تولید ناخالص داخلی اسپانیا در سال ۲۰۱۲ نیز هم‌چنان مستحکم بود و رشد اقتصاد این کشور دو برابر رشد میانگین منطقه یورو بود. اقتصاد اسپانیا با ادامه همین روند صعودی، در سال ۲۰۱۷ نیز در میان اقتصادهای بزرگ اروپا بهترین عملکرد را در بسیاری از شاخص‌ها کسب کرد.

زمانی که اسپانیا در سال ۱۹۸۶ به بازار مشترک اروپا پیوست، تولید ناخالص داخلی آن حدود ۲۷ درصد میانگین دیگر اقتصادهای بزرگ عضو این جامعه بود. در ابتدای دهه ۹۰ میلادی، دولت راست‌گرای خوزه ماریا آزنار، نخست‌وزیر اسبق این کشور، موفق شد اسپانیا را در میان گروهی از کشورها قرار دهد که در سال ۱۹۹۹ ارزش یورو را راه‌اندازی کردند. اسپانیا به علت توسعه اقتصادی داخلی و سیاست گسترش اتحادیه اروپا به ۲۸ عضو، توانست به درآمد سرانه ۱۰۵ درصدی میانگین اتحادیه اروپا دست یابد که باعث شد این کشور کمی بالاتر از ایتالیا (۱۰۳) درصد میانگین اتحادیه) قرار بگیرد. رشد اقتصادی اسپانیا در فاصله سال‌های ۱۹۹۷ الی ۲۰۰۷، عمدتاً ناشی از رشد بالای بخش ساختمان و مستغلات بود که به علت افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی، نرخ پایین بهره بانکی و افزایش شدید مهاجرت بود. در اواسط سال ۲۰۰۷، بخش ساختمانی به‌تنهایی شانزده درصد تولید ناخالص داخلی و دوازده درصد اشتغال را به خود اختصاص داده بود.

از دهه ۱۹۹۰، برخی شرکت‌های اسپانیایی موفق به کسب جایگاه شرکت چندملیتی شده‌اند و فعالیت‌های خود را در آمریکای لاتین که از نظر فرهنگی دارای قرابت‌هایی با اسپانیا است، گسترش داده‌اند. اسپانیا پس از آمریکا، دومین سرمایه‌گذار بزرگ خارجی در آمریکای لاتین است. شرکت‌های اسپانیایی، امروزه، حضور فعالی در بازار آسیا، از جمله در هند و چین دارند. شرکت‌های اسپانیایی در حوزه‌های مختلفی مثل تجاری‌سازی انرژی‌های تجدیدپذیر (شرکت ایبرالدو بزرگ‌ترین شرکت جهان در عرصه انرژی تجدیدپذیر)، فناوری (تلفونیکا، آبنگوا، موندراگون، کورپوراسیون، موی استار، ایندرا)، تولید قطار و لوکوموتیو (سی.ای.اف و تالگو) و حوزه زیرساخت و پتروشیمی (رپسول) فعالیت می‌کنند (The Economist, 2009). رشد صادرات اسپانیا در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷، به سطح بی‌سابقه‌ای رسید؛ به طوری که ۳۳ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور از محل صادرات بود (از لحاظ مقایسه، این شاخص در آمریکا دوازده درصد، در ژاپن هجده درصد، در چین ۲۲ درصد و در آلمان ۴۵ درصد است). بر اساس تازه‌ترین پیمایش‌های صورت گرفته، بخش اعظم صادرات اسپانیا راهی بازارهای مصرف کشورهای اروپایی می‌شود.

طی چهار دهه اخیر، صنعت گردش‌گری اسپانیا موفق شده است در جایگاه دوم جهان قرار بگیرد. بر اساس پیمایشی که مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۵ انجام داد، صنعت گردش‌گری اسپانیا از نظر شاخص رقابت‌پذیری، در جهان در جایگاه نخست قرار گرفت. این کشور در سال ۲۰۱۵ در جایگاه سومین مقصد گردش‌گری جهان پس از فرانسه و آمریکا قرار گرفت، اما در سال ۲۰۱۶ با شکستن رکوردهای پیشین خود و جذب بیش از ۷۵ میلیون و سیصد هزار نفر، برای هفتمین سال متوالی، شاهد رشد گردش‌گران ورودی به این کشور بود. ارزش صنعت گردش‌گری اسپانیا نیز از حدود چهل میلیارد یورو در سال ۲۰۰۶، به حدود ۷۷ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۶ رسید. ارزش کلی صنعت گردش‌گری داخلی و خارجی این کشور، در سال ۲۰۱۵ حدود پنج درصد تولید ناخالص داخلی آن را شکل می‌داد و حدود دو میلیون شغل ایجاد کرد. مقر سازمان جهانی گردشگری در مادرید، پایتخت اسپانیا قرار دارد. با ادامه روند رو به رشد شمار گردش‌گران ورودی به اسپانیا، سازمان جهانی گردش‌گری، در سال ۲۰۱۷ از دست یافتن اسپانیا به رتبه دوم گردش‌گری پذیرترین کشورهای جهان خبر داد؛ به طوری که اسپانیا با ۸۲ میلیون توریست، بعد از فرانسه و جلوتر از آمریکا، در سکوی دوم جهان قرار گرفت. به گفته ماریا راخوی، نخست‌وزیر اسپانیا، با افزایش شمار گردش‌گران ورودی به این کشور، سهم بخش گردش‌گری از تولید ناخالص داخلی اسپانیا به ۱۱ درصد رسید و با رشد دوازده درصدی درآمد این بخش، مجموع

درآمدزایی آن در سال ۲۰۱۷، به ۸۷ میلیارد دلار رسید (The Guardian, 2017).

جدول ۱: مقایسه اصلی ترین شاخص‌های اقتصادی اسپانیا، ۲۰۱۶-۲۰۱۲

۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	
۴۶/۳	۴۶/۴	۴۶/۵	۴۶/۶	۴۶/۸	جمعیت
۲۴۰۴۵	۲۳۱۷۷	۲۲۳۲۳	۲۲۰۱۳	۲۲۲۳۳	درآمد سرانه (یورو)
۱۱۱۴	۱۰۷۶	۱۰۳۷	۱۰۲۶	۱۰۴۰	تولید ناخالص داخلی (میلیارد یورو)
۳/۲	۳/۲	۱/۴	-۱/۷	-۲/۹	رشد اقتصادی
۲/۹	۳/۴	۱/۹	-۳/۲	-۵/۱	تقاضای داخلی
۳/۱	۶	۳/۸	-۳/۴	-۸/۶	سرمایه‌گذاری
۳/۲	-۲/۸	۱/۶	-۳/۲	-۳/۶	مصرف
۴/۴	۴/۹	۴/۲	۳/۴	۱/۱	صادرات
۳/۳	۵/۶	۶/۵	-۰/۵	-۶/۴	واردات
۲	۳/۲	۱/۲	-۱/۵	-۶/۶	تولیدات صنعتی
۱۹/۶	۲۲/۱	۲۴/۴	۲۶/۱	۲۴/۸	نرخ بیکاری
۱/۴	-۰/۱	-۱/۱	۰/۳	۳	نرخ تورم

(Source: Focus Economics)¹

۲-۷. مقایسه شاخص‌های اقتصادی اسپانیا و کاتالونیا

اما درست در نقطه مقابل اسپانیا، تولید ناخالص داخلی کاتالونیا برحسب شاخص واقعی تولید، معادل ۲۵۵ میلیارد و ۲۰۴ میلیون دلار، با درآمد سرانه ۳۳ هزار و ۵۸۰ دلار، تولید ناخالص داخلی آن برحسب شاخص سرانه قدرت خرید، ۳۳۶ میلیارد و ۲۰۴ میلیون دلار و درآمد سرانه آن برحسب این شاخص، معادل ۴۳ هزار و ۸۳۷ دلار است که در زیر به مقایسه شاخص‌های اقتصادی در اسپانیا و کاتالونیا خواهیم پرداخت.

1 <https://www.focus-economics.com/countries/spain>

جدول ۲: مقایسه برخی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی اسپانیا و کاتالونیا در سال ۲۰۱۷

۲۰۱۳	۲۰۱۲	
۱/۲۳۲/۵۹۷	۲۵۵/۲۰۴	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)
۲۵۵۶۵	۳۳۵۸۰	سرانه تولید ناخالص داخلی
۹۹٪	۳۵/۳۰	درصد بدهی از تولید ناخالص داخلی
۲۶۳۴۵	۱۱۱۷۴	سرانه بدهی
-۵۵/۷۸۰	-۲/۱۸۵	کسری تجاری (میلیارد دلار)
۱۶/۴٪	۱۲/۶٪	نرخ بیکاری
۱/۳٪	۰/۹٪	تورم (ژانویه ۲۰۱۸)
۲۳/۴۳	۳۱/۲۶	درصد صادرات از تولید ناخالص داخلی
۲۵/۱۳	۳۷/۲۴	درصد واردات از تولید ناخالص داخلی
-۱/۷۰٪	-۵/۹۷٪	موازنه تجاری برحسب تولید ناخالص داخلی
۸۲/۹	۸۳/۴	امید به زندگی (میانگین سال)
۲۲/۳٪	۱۳/۲٪	خطر فقر
۳۹/۷	۷۱/۸	میانگین اندازه شرکت‌های کشاورزی (هزار یورو)
۱/۲۲	۱/۴۹	سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی
۵۲	۶۳/۴	درصد نرخ سکونت گردشگر در هتل‌ها

¹(Source: Statistical Atlas Eurostat Regional Yearbook 2017)

درآمد سرانه تولید ناخالص داخلی یا به عبارتی، میانگین درآمد هر فرد در کاتالونیا، ۱۸/۸ درصد بالاتر از میانگین اسپانیا و ۱۳/۲ درصد نیز بالاتر از میانگین اتحادیه اروپا و ۶/۱ درصد بالاتر از کل قاره اروپا است. کاتالونیا دارای اقتصادی متنوع و پویا است و چیزی در حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی اسپانیا متعلق به این منطقه است. رشد تولید ناخالص داخلی کاتالونیا، در سال ۲۰۱۷ معادل ۳/۴ درصد بود که از سال ۲۰۰۷ بی سابقه محسوب می‌شود. این نرخ رشد، به مراتب بیش تر از نرخ رشد اقتصادی اسپانیا با ۳/۲ درصد، اروپا با ۱/۶ درصد، آلمان با ۱/۷ درصد، ایتالیا با ۰/۸ درصد و فرانسه با ۱/۲ درصد بود. کاتالونیا دارای موازنه تجاری مثبت با مازاد تجاری معادل ۱۱/۵ تولید ناخالص داخلی است. رشد صادرات آن، ۶/۱ درصد و رشد بخش صنایع مبتنی

1 European Commission, Regional Policy Department, Statistical Atlas Eurostat Regional Yearbook (2017). Retrieved From: http://ec.europa.eu/regional_policy/en/newsroom/news/2017/09/14-09-2017-eurostat-regional-yearbook-2017.

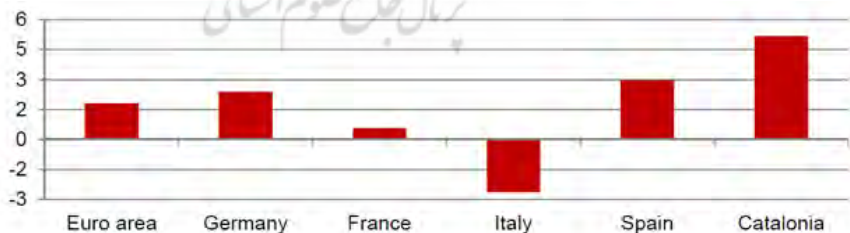
بر فناوری‌های پیشرفته نیز ۱۰٪ است. گردش‌گری ستون اقتصادی کاتالونیا است که در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به ترتیب ۷/۳ و ۸/۳ درصد رشد داشت. نرخ اشتغال کنونی کاتالونیا ۶۳/۱ درصد است که به میانگین منطقه اروپا (۶۴/۳٪) نزدیک است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کاتالونیا نیز رشد بسیار بیش‌تری از کل اسپانیا دارد؛ به‌طوری‌که کاتالونیا در میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یا «foreign direct investment»، در سال ۲۰۱۷ به میزان ۶۰/۴٪ رشد داشت، درحالی‌که همین شاخص در مورد اسپانیا، فقط ۱۱ درصد رشد داشت. تولید ناخالص داخلی کاتالونیا نیز شاهد رشد بالاتری از اسپانیا و میانگین منطقه یورو داشت؛ به‌طوری‌که رشد اقتصادی این منطقه در سال ۲۰۱۷ معادل ۳/۶٪، اسپانیا ۳/۲٪ و منطقه یورو ۱/۶ درصد بود.

جدول ۳: رشد تولید ناخالص داخلی کاتالونیا برحسب بخش‌های مختلف (درصد تغییرات سالانه)

۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	
-۰/۷	-۱/۲	۵/۹	کشاورزی
۳/۶	۲/۷	۱/۵	صنعت
-	۲/۵	۱/۲	صنایع تولیدی
۴/۲	۳/۴	-۲/۵	ساخت‌وساز
۳/۹	۳/۶	۲/۵	خدمات
۳/۷	۳/۴	۲	تولید ناخالص داخلی

۷-۲. مقایسه تولیدات صنعتی کاتالونیا با چند کشور (۲۰۱۲-۲۰۱۵) (برحسب درصد)

نمودار ۱: مقایسه تولیدات صنعتی کاتالونیا با چند کشور برحسب درصد طی سنوات ۲۰۱۲-۲۰۱۵

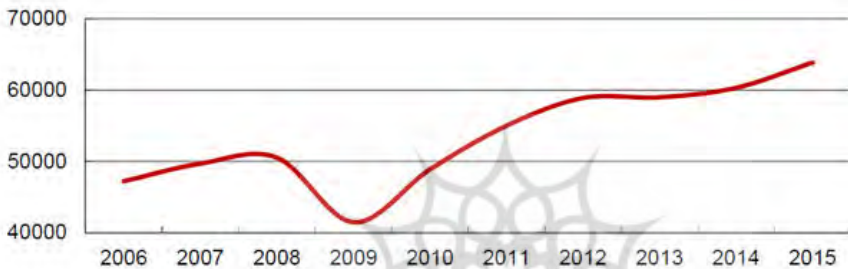


(Source: Idescat and Eurostat (2017))

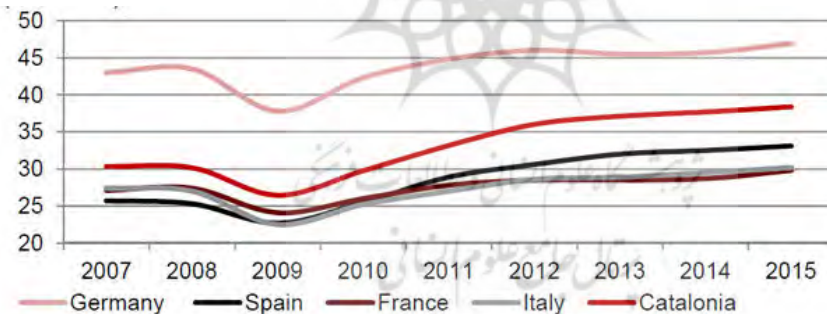
همان‌طور که نمودار فوق نیز نشان می‌دهد، تولید صنعتی در کاتالونیا در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ الی ۲۰۱۵، رشد بهتری در مقایسه با منطقه یورو داشت. رشد صنعتی کاتالونیا، در فاصله این سال‌ها ۵/۲ درصد و بسیار بالاتر از کشورهای صنعتی اروپا بود. کاتالونیا در سال

۲۰۱۷، میزان ۱۸ میلیون گردش گر خارجی بود که در مقایسه با سال قبل از آن رشد ۳/۷ درصدی نشان می‌دهد. میزان پولی هم که گردش گران خارجی در این منطقه هزینه کردند، به ۱۶ میلیارد دلار رسید که رشد ۶/۷ درصدی در مقایسه با سال ۲۰۱۶ داشت. میزان صادرات کالا از کاتالونیا به مقاصد مختلف، در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۵، به میزان ۳۵/۵٪ افزایش یافت. تنها در سال ۲۰۱۵ میزان صادرات به اندازه ۶/۱ درصد افزایش یافت که این آمار در مورد کل اسپانیا تنها ۳/۴ درصد بود.

نمودار ۲: رشد صادرات کالا از کاتالونیا (میلیون یورو)



نمودار ۳: مقایسه صادرات کالا و خدمات از کاتالونیا و دیگر مناطق منتخب (درصد تولید ناخالص داخلی)



سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی کاتالونیا، در سال ۲۰۱۷ بالاتر از همین شاخص در مورد کشورهای فرانسه، اسپانیا و ایتالیا بود. صادرات کاتالونیا در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۵، شاهد رشد سالانه هشت درصدی بود. در همین بازه زمانی، صادرات آلمان ۳/۹ درصد، اسپانیا ۷/۴ فرانسه ۲/۷ و ایتالیا ۲/۸ درصد رشد داشت (Generalitat de Catalunya, 2017).

نتیجه‌گیری

همان‌گونه‌که نشان داده شد، تحقیق حاضر درصدد بررسی دلایل استقلال‌خواهی و جدایی‌طلبی در کاتالونیا بود. لذا، به‌منظور تبیین نظری موضوع، از نظریه انتخاب عقلانی استفاده شد. بر طبق این نظریه، در قالب تحلیل جدایی‌طلبی در کاتالونیا، می‌توان بیان داشت که اولاً، منطقه کاتالونیا از سابقه تاریخی-زبانی برخوردار است؛ این موضوع عاملی بر مطرح‌شدن همه‌پرسی و استقلال‌خواهی در منطقه شده که از سابقه تاریخی طولانی برخوردار بوده است. اما سؤالی که در این راستا پیش آمد، این بود که چرا علی‌رغم برخورداری از ناسیونالیسم زبانی، جدایی‌طلبی در این منطقه به‌اندازه‌ای که اکنون مطرح می‌شود، نبوده است؟ در پاسخ، می‌توان بحران اقتصادی را به‌عنوان مکملی بر ناسیونالیسم زبانی مطرح کرد که توانسته است استقلال‌طلبی در منطقه را تشدید کند. ثانیاً، طبق رویکرد انتخاب عقلانی، افراد در تصمیم‌گیری‌ها در چارچوب‌ها و محدودیت‌های موجود، مترصد دست‌یابی به حداکثر سود هستند؛ لذا، با توجه با این مطلب، می‌توان بیان داشت که این منطقه نزدیک به ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی، ۲۷ درصد صادرات و ۲۵ درصد توریست‌های اسپانیا را داراست. بنابراین، از دید مردم منطقه کاتالونیا، جدایی این ایالت از دولت مرکزی به سود آن خواهد بود؛ چراکه بیش‌ترین سود و کم‌ترین ضرر را برای آن‌ها در پی خواهد داشت و دیگر مجبور نخواهند بود که ۰۲ درصد تولید ناخالص را به دولت مرکزی واگذار کرده، در عوض ۱۵ میلیارد یورو کم‌تر از آن سهمی که می‌پردازند، دریافت کنند. درنتیجه، استقلال آن‌ها علاوه بر موارد فوق، سبب کاهش فشار مالیاتی بر آن‌ها و کاهش قروض آن‌ها به دولت مرکزی خواهد شد. در این‌جا، نظریه انتخاب عقلانی به‌خوبی نقش اقتصاد در جدایی‌طلبی منطقه کاتالونیا را نشان می‌دهد؛ این‌که چرا بازیگران در تلاش برای کسب سود بی‌شتر و تأمین منافع خود هستند. ثالثاً، می‌توان به نحوه محاسبه‌گری کاتالونیایی‌ها در انتخاب گزینه‌های پیش‌رو در همه‌پرسی اشاره کرد؛ چراکه محاسبه عقلانی آن‌ها مبتنی بر متغیرهای اقتصادی، یعنی نابرابری اقتصادی در مقایسه با میزان تولید ناخالص داخلی منطقه و دریافت میزان بسیار پایینی از این مقدار از سوی دولت مرکزی است که سبب اتخاذ تصمیم‌گیری جمعی مطابق با خواست نخبگان جدایی‌طلب شد. به بیانی ساده‌تر، کاتالونیایی‌ها، سود و منفعت واگرایی و استقلال از اسپانیا یا دولت مرکزی را بسیار بیش‌تر از وضعیت فعلی خود (ادغام در اسپانیا) محاسبه کرده‌اند. رابعاً، بین شاخص‌های اقتصادی و جدایی‌طلبی در منطقه کاتالونیا، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. جهت این رابطه نیز مستقیم است و بیان‌گر آن است که هرچه بحران اقتصادی در کشورهای اروپایی و

اسپانیا کاهش یابد، جدایی‌طلبی و استقلال‌خواهی در منطقه نیز کاهش خواهد داشت و هر چه بحران اقتصادی در منطقه یورو و اسپانیا تشدید شود، استقلال‌خواهی و جدایی‌طلبی نیز بیش‌تر خواهد شد.



منابع

الف) منابع فارسی

- احمدی، حمید. (۱۳۸۳). قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت، تهران: نشر نی.
- خسروی، علیرضا. (۱۳۹۵). تمایلات جدایی‌طلبانه در اروپا: ریشه‌ها و روندها، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۱.
- کرایب، یان. (۱۳۹۳). نظریه اجتماعی مدرن (از پارسونز تا هابرماس)، عباس مخبر، تهران: نشر آگه.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
- لیتل، دانیل. (۱۳۷۳). تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی بر فلسفه علم‌الاجتماع، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: نشر صراط.
- ظریف، علی. (۱۳۹۶). جنبش کاتالان‌ها، نشریه آرمان، ارگان رسمی تشکل آرمان، دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز.
- علی وردی نیا، اکبر؛ صالح نژاد، صالح. (۱۳۹۲). کاربردهای نظریه‌گزینش عقلانی در تبیین جرائم و ارائه دلالت‌های سیاستی برای پیشگیری از جرم، مجله کار آگاه، دوره دوم، سال هفتم.
- حسن‌زاده، مهدی. (۱۳۹۴). نظریه انتخاب عقلانی، سایت باشگاه اندیشه.
- کرمی، محمد امین. (۱۳۹۲). تأثیر اقوام بر امنیت ملی ایران «با تأکید بر قوم کرد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

الف) منابع روسی

- Грин, Д.П. (1997). Объяснения политики с позиций теории рационального выбора: почему так мало удалось узнать? / Д.П.Грин, И. Шапиро - // Современная сравнительная политология: хрестоматия / Науч. ред. Г.В. Голосов, Л.А. Галкина – М.: Московский общественный научный фонд.
- Култыгин, В.П. (2004). Теория рационального выбора –

возникновение и современное состояние / В.П. Култыгин // Социс, № 1.

Сморгунов, Л.В. (2004). Современная сравнительная политология. Учебник / Л.В. Сморгунунов – М.: РОССПЭН.

Швери Р. (1997). Теория рационального выбора: универсальные средства или экономический империализм? // Вопросы экономики, № 7.

ج) منابع انگلیسی

Anastazia, Marinze. (2014). *Catalonia: The Quest for Independence from Spain*, Senior Honors Projects, Spring.

Generalitat De Catalunya. (2017). *The Catalan Economy Statistical Yearbook*.

Hechter, M.; Friedman, D.; Appelbaum, M. (1982). *A Theory of Ethnic Collective Action*, *International Migration Review*, 16: 425-7.

Udehn, L. (2001). *Methodological Individualism; Background, history and meaning*, London: Routledge.

Fisher, S. (2003). *rational choice*, *Political sociology lecture*, 3, MT03. URL: <http://malroy.econ.ox.ac.uk/fisher/polSOC>

Hidalgo, Juan Carlos. (2018). *Looking at Austerity in Spain*, Retrieved from: <https://www.cato.org/blog/looking-austerity-spain>, (Accessed on: 17/ 02/2018)

Razi, H. (1988). *An Alternative Paradigm to State Rationality in Foreign policy*, *Political Research Quarterly*.

Reuters News Agency. (2012). *Spain's Catalonia Region To Hold Early Elections On Nov 25*, Retrieved From: <https://www.reuters.com/article/spain-catalonia-elections/spains-catalonia-region-to-hold-early-elections-on-nov-25> idUSE8E8GI01L20120925, (Ac-

cessed on: 13/7/2017)

Spence, Peter. (2018). *How Spain Became The West's Superstar Economy*, **The Telegraph**, 10 February, Retrieved From: <http://www.telegraph.co.uk/finance/economics/11574536/How-Spain-became-the-Wests-superstar-economy.html>, (Accessed on:15/02/2018)

The Economist. (2018). *Big In America?*. 10 February, Retrieved From: <http://www.economist.com/node/13447445>, (Accessed on:15/02/2018)

The Financial Times. (2018). *Spain Prepares To Make Rescue Request*, Retrieved From: <https://www.ft.com/content/94f299ec-1706-11e2-b1df-00144feabdc0>, (Accessed on:19/02/2018)

The Guardian. (2018). *Spain Set To Replace U.S. As Second Most Popular Tourism Destination*, 10 February, Retrieved From: <https://www.theguardian.com/world/2018/jan/16/spain-set-to-replace-us-as-second-most-popular-tourism-destination>, (Accessed on:14/02/2018)

The Independent. (2017). *Catalonia Could Be An Extremely Successful Economy And EU Member State*, Retrieved From: <http://www.independent.co.uk/voices/catalonia-spain-independence-vote-economy-population-location-trade-currency-a8025051.html>, (Accessed on:15/02/2018)

European Commission, Regional Policy Department, Statistical Atlas Eurostat Regional Yearbook. (2017). Retrieved From: http://ec.europa.eu/regional_policy/en/newsroom/news/2017/09/14-09-2017-eurostat-regional-yearbook-2017, (Accessed on:15/10/2017)

The Economist. (2018), *The Economist Intelligence Unit's Quality Of Life Index*, 10 February Retrieved From: <https://www.economist.com/topics/economist-intelligence-unit>.

European commission statistics bureau yearbook. (2018). official webpage, Accessed on: 24/2/2018. https://europa.eu/2017//europe-an-union/about_eu/countries/member-countries/spain_en, (Accessed on:11/11/2017)

<https://www.focus-economics.com/countries/spain>

